مروری بر پیشینه نوروز باستانی

نرم نرمک می‌رسد اینک بهار...

گروه فرهنگی: نوروز، عید باستانی ایرانیان، به دلیل همزمانی با بهار طبیعت در جغرافیای فرهنگی ایران که محدود به مرزهای امروزین ایران نیست، جلوه زیبا و متفاوتی از شروع سال نو در بین گاه‌شماری‌های مختلف محسوب می‌شود.

منشأ و زمان پیدایش نوروز، به درستی معلوم نیست. برخی از روایت‌های تاریخی، آغاز نوروز را به بابلیان نسبت می‌دهد. بر طبق این روایت‌ها، رواج نوروز در ایران به سال ۵۳۸ پیش از میلاد مسیح یعنی زمان حمله کوروش بزرگ به بابل بازمی‌گردد. مردم بابل روز اول سال (عموماً در اعتدال بهاری برابر با ۲۱ مارس یا اول فروردین) را جشن می‌گرفتند. این زمان برابر با بیداری طبیعت است. از لوحه‌ها چنین بر می‌آید که این جشن تقریباً از ۲۳۴۰ سال، پیش از میلاد، شناخته شده بود.

مری بویس استاد دانشگاه و پژوهشگر در رشته مطالعات زرتشتی که سال ۲۰۰۶ درگذشت، معتقد بود ایرانیان از دیرباز، بر اساس آیین میتراییسم، جشن‌های بزرگی چون جشن‌های بهاره و پاییز (مهرگان) را برگزار می‌کردند ولی شکوه جشن بهاره بابلیان، شاید موجب رهنمود ایرانیان به برگزاری جشن سال نو در این ایام شده باشد.

اما در افسانه‌های ایران، داستان پیدایش نوروز متفاوت است و در برخی از متن‌های کهن ایران از جمله شاهنامه فردوسی و تاریخ طبری، جمشید و در برخی دیگر از متن‌ها، کیومرث به عنوان پایه‌گذار نوروز معرفی شده است. پدیدآوری نوروز در شاهنامه، بدین گونه روایت شده‌است که: «جم» در حال گذشتن از آذربایجان، بر روی تخت جمشید ارگ جمشید در آنجا فرود آمد و با تاجی زرین بر روی تخت نشست. با رسیدن نور خورشید به تاج زرین او، جهان نورانی شد و مردم شادمانی کردند و آن روز را روز نو و جم را جمشید نامیدند.

مهم‌ترین چهره‌های اسطوره‌ای مانند جمشید، سیاوش و کیخسرو پیوندی نزدیک با نوروز دارند. نوروز روز پیروزی بزرگ جمشید بر دیوان است که نماد پلیدی‌هایی چون سرما، تاریکی، جهالت و خشونت بودند. عروج جمشید و عروج کیخسرو در این روز اتفاق افتاد که تفاسیر گوناگونی را به همراه دارد. در این روز جمشید جهان غیب را در جام جهان‌نما مشاهده کرد. همان جامی که در آن کیخسرو جای بیژن را مشاهده کرد و رستم را به دنبال او فرستاد. اما حکایت دگردیسی و بازآفرینی سیاوش، حکایتی ویژه است که با روایت‌هایی مانند آدونیس، پرسفون، ازیریس یا تمرز قابل مقایسه است.

نظر ابوریحان بیرونی و نویسندهٔ نوروزنامه (که به خیام نسبت داده شده) دربارهٔ منشأ نوروز چنین است که ایرانیان عقیده داشته‌اند که پس از آفرینش زمین و آسمان و هر چه در آنهاست چندین هزار سال به حال سکون و بی حرکت ایستاده بوده‌اند چون به فرمان اهورامزدا آغاز به حرکت کردند، حرکت خورشید در آن هنگام از بامداد نخستین روز ماه فروردین یا روز هرمزد و از نخستین نقطه یا دقیقه یا درجهٔ برج حمل (برج بره) بود ولی در سال بعد که در آن روز و ساعت حرکت کرده نتوانست به آن دقیقه برسد و ناچار آغاز سال از جای خود تغییر یافت و عقب افتاد و هر سال در درجات برج‌ها به‌طور قهقرایی تغییر یافت تا در یک دور طولانی دوباره به همان روز و ساعت که در آغاز حرکت کرده بود بازآمد و این مدت ۱۴۶۰ سال طول کشید. نخستین کسی که این روز (یعنی نوروز حقیقی) را دریافت کیومرث بود و آن را آغاز تاریخ تعیین کرد و دوباره دور دوم از بامداد روز هرمزد، از نخستین درجهٔ برج حمل و روز اول بهار شروع شد.

درباره جشن نوروز در دوران هخامنشیان اطلاعات بیشتری موجود است. ن طور که از کتیبه‌های دوران هخامنشی برمی‌آید، زمان آغاز سال نو زمان مشخص و دقیقی نداشته بلکه متغیر بوده و دلایل آن بسیار پیچیده‌است. بنا بر مدارک باقی‌مانده در سرتاسر دوران هخامنشی، زمان آغاز سال نو از ۲۱ اسفند ماه (۱۲ مارس) تا ۹ اردیبهشت (۲۹ آوریل) در نوسان بوده است. در زمان هخامنشیان، شاه، نوروز را در تخت جمشید برپا می‌داشت. گیرشمن باستان‌شناس فرانسوی در مورد مراسم نوروز در دربار هخامنشیان نوشته است همه چیز در تخت جمشید برای بزرگداشت این جشن ملی بنا شده است. پیش از انجام تشریفات نوروز، بزرگان شاهنشاهی و نمایندگان کشورها به تخت جمشید می‌آمدند و در دشت پهناور مرودشت که رود پلوار از میان آن می‌گذرد و در مغرب تخت جمشید قرار گرفته هزاران چادر می‌زدند. در نمای خارجی پلکان تخت جمشید اشخاصی که در تشریفات نوروز شرکت دارند، نشان داده شده‌اند. در این سنگ برجسته‌ها نمایندگان ۲۳ ملت پیرو شاهنشاهی و درباریان پارسی و مادی به همراه اسب‌ها و گردونه‌های پادشاهی و سربازان شوشی دیده می‌شود.

در دوره‌های بعدی، حتی در دوران پس از اسلام هم جشن نوروز ادامه پیدا کرد و در جغرافیای فرهنگی ایران که کشورهای اطراف همچون تاجیکستان، افغانستان، ترکمنستان، جمهوری آذربایجان و ... را در بر می‌گیرد همچنان با شکوه فراوان جشن گرفته می‌شود.

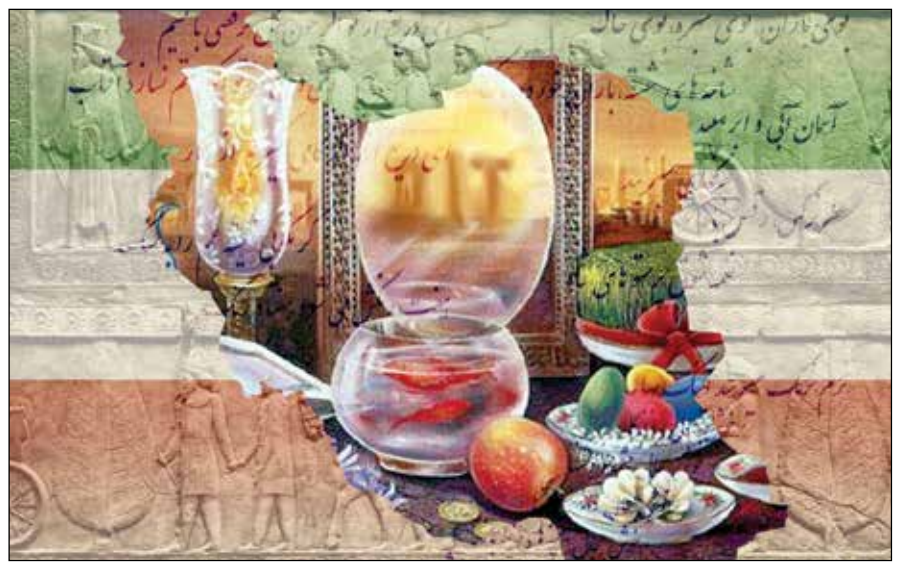

اعطای عالی‌ترین نشان آکادمیک فرانسه به احمد سمیعی

عالی‌ترین نشان آکادمیک فرانسه، نشان کوماندور به احمد سمیعی (گیلانی) عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی اهدا شد. به گزارش ایسنا، در گزارش روابط عمومی فرهنگستان زبان و ادب فارسی در این‌باره آمده است: «»سه‌شنبه، بیست‌وسوّم اسفندماه ۱۴۰۱، در منزل احمد سمیعی، با حضور نیکولا رُش (Nicols Roche)، سفیر فرانسه در ایران، و تنی چند از همراهان ایشان و نیز همراهی افرادی از خانواده استاد، بالاترین نشان نخل آکادمیک، کوماندور، به احمد سمیعی تقدیم شد. نخل آکادمیک نشان افتخار ملّی وزارت آموزش عالی فرانسه است که به بزرگان اندیشه، به‌سبب خدماتی که به‌همّت آنان انجام پذیرفته، اعطا می‌شود. سابقه اعطای این نشان افتخار، که از قدیمی‌ترین افتخارات مدنی است، به زمان ناپلئون و به سال ۱۸۰۸ در تجلیل از اعضای برجستهٔ دانشگاه پاریس، به‌سبب مشارکت برجسته در فرهنگ و آموزش، برمی‌گردد. اعطای این نشانِ افتخار به سایر بزرگان فرهنگ و آموزش در ممالک دیگر تسرّی یافت. ازجمله کسانی که در ایران موفّق به کسب این نشان شده‌اند می‌توان به علی‌اکبر سیاسی (روانشناس، نویسنده و رئیس دانشگاه تهران)، احمد کامیابی مسک (مترجم و استاد درام و تئاتر مدرن دانشکدهٔ هنرهای زیبای دانشگاه تهران)، سیّدجواد طباطبایی (مولّف، مترجم و استاد علوم سیاسی)، محمّدعلی سپانلو (شاعر، مترجم و منتقد ادبی)، رضا سیّدحسینی (نویسنده و مترجم)، جواد حدیدی (نویسنده و مترجم) و ابوالحسن نجفی (نویسنده، محقّق و مترجم) اشاره کرد. نخل آکادمیک شامل سه درجه و عالی‌ترین آن نشان کوماندور است . نشان کوماندور نخستین‌بار است که در میانِ متفکّرانِ کنشگرِ ایرانی، به استاد احمد سمیعی تعلّق گرفته است. در ابتدای این بزرگداشت، استاد سمیعی به زبان فرانسه، از پَپ اندیای (Pa NDIAYE) وزیر آموزش عالی فرانسه به‌سبب اعطای نشان تشکّر و از حضور سفیر و همراهان ایشان قدردانی کردند. سپس نیکولا رُش به ایراد سخن پرداخت و نطق استاد را، که با فصاحت و درستی همراه بود، ستود و آرزو کرد که خود نیز بتواند روزی زبان فارسی را آنچنان بیاموزد و تکلّم کند که استاد زبان فرانسه را سخن گفته‌اند. سفیر، اعطای نشان کوماندور را بسیار نادر دانست که افراد معدودی موفّق به دریافت آن می‌شوند. نیکولا رُش ضمن قدردانی از سمیعی گیلانی بر نقش اثرآفرین ایشان در معرّفی آثار ارزشمند فرانسه به زبان فارسی و نیز سهم بسزای استاد در فرهنگ و هنر جهان تأکید و گزارشی مجمل امّا دقیق از زندگی و آثار استاد بیان کرد که نشان‌دهندهٔ آگاهی عمیق سفیر فرانسه از احوال سمیعی گیلانی بود. در پایان سخن، سفیرِ فرانسه با احترام، نشان «فرمانده نخل آکادمیک» را به گردن استاد سمیعی آویخت و گفت: «مراسم اعطای نشان عالی کوماندور به استاد سمیعی قرار بود طیّ مراسم ویژه‌ای در مرکز فرهنگی سفارت فرانسه برگزار شود که به‌سبب کسالت استاد، تصمیم برآن شد که این نشان فعلاً در منزل استاد به ایشان تقدیم شود. امید است، به زودی، پس از بهبودی کامل استاد، در مراسمی دیگر به نحو شایسته‌تری با حضور استادان و فرهیختگان از استاد تجلیل شود. استاد احمد سمیعی چهره آشنای فرهنگ ایران است. او را به حق باید قهرمان فرهنگ ایران شمرد. ذهن روشمند، خلّاق، نواندیش و بالاخص انسانی ویژگی بارز استاد سمیعی است که همچنان در عمر پربار خود زنده و تروتازه نگاه داشته است و این تازگی و حلاوت محصول مداومت او در خواندن، تحقیق و «به روز بودن» است به‌ویژه، اُنس به خواندن رمان او را «فارغ از دنائت‌ها و دل‌مشغولی‌های بی‌قدر، به جهانی آرمانی و اثیری» برده و با «زندگی دیگران و به زندگی‌هایی دیگر» دمخور و آشنا کرده و با همنوعان خود همحسّی یافته است. دوام عمر با عزّت استاد احمد سمیعی (گیلانی) را از خداوند خواستارم.»

ماجرای اسکار اصغر فرهادی که در ایران گم شد!

فیلم «برنده‌ها» ساخته حسن ناظر داستان کمدی دو کودک و مجسمه اسکاری را در ایران دنبال می‌کند که طی چند اتفاق گم می‌شود. به گزارش ایسنا، این فیلم را حسن ناظر کارگردان ایرانی-بریتانیایی ساخته که امسال نماینده رسمی سینمای بریتانیا در شاخه بهترین فیلم بین‌المللی جوایز اسکار بود اما در نهایت نتوانست به جمع نامزدهای این شاخه راه یابد. این کمدی ملایم که درباره دو کودک است و یک مجسمه اسکار نیز یکی از شخصیت‌های آن است، نگاهی به اعتبار بزرگ سینمای ایران در خارج از کشور دارد.

داستان فیلم این است که اصغر فرهادی کارگردان بزرگ ایرانی که در اعتراض به ممنوعیت سفر مسلمانان اعمال شده از سوی دونالد ترامپ، اسکار ۲۰۱۷ را تحریم کرده است، نمی‌تواند شخصاً برای دریافت اسکار خود برای فیلم «فروشنده» حضور داشته باشد، اما تهیه‌کننده‌ای مجسمه طلایی اسکار را برای او به ایران می‌آورد اما پس از چند اتفاق آن را گم می‌کند. در ادامه مجسمه به دست مسئولان می‌رسد و قرار می‌شود از طریق پست به دست اصغر فرهادی برسد اما پستچی محلی آن را گم می‌کند و مجسمه درخشان، مرموز عجیب و غریب و سنگین در نهایت در جاده‌ای گرد و خاکی توسط دو بچه کوچک، یحیی (پارسا مقامی) و لیلا (هلیا محمدخانی) پیدا می‌شود. یحیی چیزهایی را درباره سینما بواسطه صابر (حسی عابدینی) می‌داند. صابر که قبلا بازیگر بوده حالا مسئول محل جمع‌آوری آهن قراضه‌هاست که یحیی و لیلا برایش ضایعات فلزی در میان زباله‌ها پیدا می‌کنند.

دوست صابر که ناصر نام دارد نیز در این کار مشغول است و در واقع او پیش از این برنده جایزه خرس نقره‌ای بازیگری در جشنواره فیلم برلین در سال ۲۰۰۸ شده است. رضا ناجی این نقش را بازی کرده که نمی‌تواند با نزول بارورنکردنی زندگی‌اش پس از رسیدن به این جایزه بزرگ کنار بیاید. در این فیلم فارسی زبان که در ایران فیلمبرداری شده و «نادیرا مورای» و «پاول ولش» از اسکاتلند تهیه‌کنندگی کرده‌اند، مجموعه‌ای از بازیگران ایرانی شامل رضا ناجی، شهرزاد کمال‌زاده، حسین عابدینی، محمود جعفری، عزت‌الله رمضانی‌فر و اصغر سمسارزاده نقش افرینی کرده‌اند.

«برنده‌ها» اولین نمایش جهانی خود را در جشنواره بین المللی فیلم ادینبورگ تجربه کرد و در آنجا جایزه تماشاگران را از آن خود کرد و پس از آن نیز جایزه دیسکاوی جوایز فیلم مستقل بریتانیا را نیز به خود اختصاص داد.

کارگردان سریال آسوده باش:

به احترام شهرام عبدلی بازیگری جایگزینش نشد

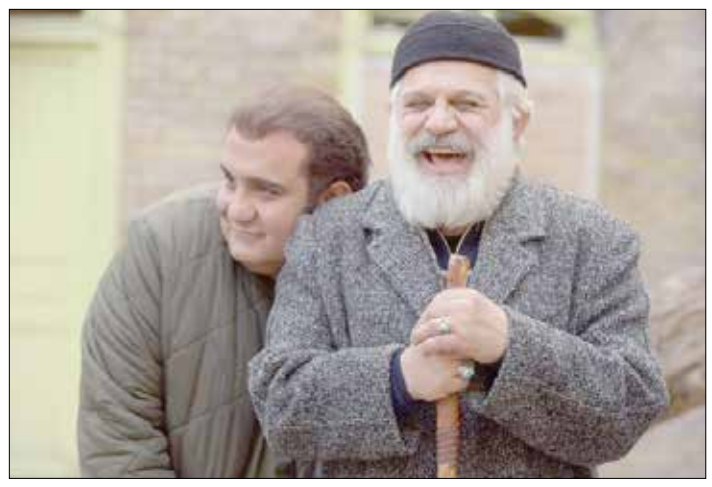

کارگردان سریال «آسوده باش» گفت: به احترام شهرام عبدلی عزیز بازیگری جایگزین نقش او نخواهد شد؛ ضمن اینکه نویسندگان سریال برای این موضوع تغییراتی در سناریو ایجاد کرده‌اند تا کار از نظر کیفی لطمه نخورد.

شهرام عبدلی ـ بازیگر سینما، تئاتر و تلویزیون ـ که برای بازی در سریال «آسوده باش» به شهر مشهد سفر کرده بود، دچار عارضه مغزی شد و ششم اسفند ماه امسال درگذشت. به گزارش ایسنا به نقل از روابط عمومی پروژه، حسن حج‌گذار، کارگردان «آسوده باش» درباره انتخاب بازیگر جایگزین زنده‌یاد شهرام عبدلی که در روزهای آغازین تولید پروژه به علت خونریزی مغزی در بیمارستان قائم مشهد درگذشت، گفت: به احترام زنده‌یاد شهرام عبدلی عزیز بازیگر جایگزینی برای نقش وی انتخاب نخواهد شد و از سکانس‌هایی که از این بازیگر برای تیتراژ گرفته شده در سریال استفاده خواهیم کرد.

به گفته این کارگردان، «نویسندگان سریال نیز برای این موضوع تغییراتی در سناریو ایجاد کرده‌اند تا کار از نظر کیفی لطمه نخورد.»

تصویربرداری سریال نمایش خانگی «آسوده باش» به کارگردانی حسن حج‌گذار و تهیه‌کنندگی امیر رحیم‌زاده در حال حاضر در مشهد مقدس به مرز ۵۰ درصد رسیده است و گروه از اوایل فروردین ماه ۱۴۰۲ برای ادامه تولید عازم کشور ارمنستان می‌شوند.

به گفته امیر رحیم‌زاده، تهیه‌کننده سریال با اضافه شدن آریا عظیمی‌نژاد به عنوان آهنگساز، مهدی سعدی تدوینگر و مهرداد جلوخانی صداگذار، مراحل فنی پروژه نیز همرمان با تولید آغاز شده است.

پرویز فلاحی‌پور، فاطمه گودرزی، میرطاهر مظلومی، شادروان شهرام عبدلی، نفیسه روشن، آرام جعفری، امیر غفارمنش، شهنام شهابی، کیوان صباغ، اصغر سمسارزاده، رضا توکلی، حسن اسدی، مجید شهریاری، سعیده عرب، زینب برات‌زاده، مهری شمس، محمد الهی، امیر محاسبتی، علی آزادنیا، مهدی باوقار، جواد سلطانی، مرسده رحیم‌زاده، سیما صادق‌زاده، بنفشه قرایی، مجید نادری، محمد حسین‌پور، عباس بیرانوند، ریحانه ندیمی، دینا آصفی، پریا رشیدی، علی‌اصغر علوی، هادی آزادپور، جواد پاشایی، سهراب آقامیر، ساسان ژیان، فاطمه دهقان، محسن رستگارمقدم، رضا پدر و (بازیگر نوزاد) کایاهان دادیان گروه بازیگران این سریال را تشکیل می‌دهند.

دیگر عوامل این سریال عبارتند از: نویسندگان: اسماعیل بایگی، حسن حج‌گذار، مجری طرح و سرمایه‌گذار: شرکت هلدینگ پتروارتان - امیر رحیم‌زاده، مدیر تصویربرداری: عارف نامور، مدیر صدابرداری: حامد شیوندی، طراح چهره‌پردازی: امیرحسین غفاری، طراح صحنه و لباس: علی مربی، آهنگساز: آریا عظیمی‌نژاد، تدوین: مهدی سعدی، صداگذار: مهرداد جلوخانی، عکاس: آرش شاه‌محمدی، مشاور رسانه‌ای: امین اعتمادی‌مجد، مدیر تولید: علیرضا طحان‌زاده، دستیار اول کارگردان و مدیر برنامه‌ریزی: پیام حنفی، گروه کارگردانی: معین سعیدی، پریا حیدری، منشی صحنه: پریسا تاج، جانشین تولید: مرسده رحیم‌زاده، گروه فیلمبرداری: مجتبی نظری (دستیار اول)، مرتضی حسنی، رضا محمودی، مهدی عراقیه، مدیر طراحی و تبلیغات: سعید زرگران، سینه موبیل: رضا میرزایی، امور مالی: زینب روح‌بخش، گروه صدا: رسول هادی، پدرام شیوندی، گروه صحنه و لباس: امیرمسعود صداقتی، سامان خطایی، مصطفی اسدزاده، ائده وحیدیان، گروه گریم: آتنا صالحیان، سجاد خیابانی، محمدامین یوسفی، ثریا سروری، گروه تدوین: نیلوفر بشیگ، گروه تولید و تدارکات: نوا گنجی، رضا فولادی، سهراب صیفی‌کار، علی‌اصغر علوی، فرامرز کاکی، مرتضی اکبرنژاد، هادی حج‌گذار، علی پاکدل، تیزر پشت صحنه: مصطفی صابری‌راد، رضا صابری‌راد، ساخت فیلم پشت صحنه: علی سیدی، مدیر تدارکات: اصغر بازگشا، مدیر تشریفات: مهدی باوقار.

ناگفته‌های علیرضا زرین دست

رایزنی عباس کیارستمی برای ممنوع‌الکاری یک هنرمند

علیرضا زرین‌دست با اشاره به ۶ ماه ممنوع‌الکاری خود و رفع آن با رایزنی عباس کیارستمی، از «دوربین فولکس» قدیمی‌اش گفت که به عنوان بخشی از تاریخ سینما باید حتما در جایی مناسبی نگهداری شود. به گزارش ایسنا به نقل از روابط عمومی موزه سینمای ایران، در ادامه انتشار سلسله برنامه‌های تاریخ شفاهی خود به مناسبت زادروز «علیرضا زرین دست»؛ مدیر فیلمبرداری پیشکسوت سینما بخش‌هایی از گفتگوی این هنرمند را توسط موزه سینما منتشر شده که در ادامه می‌خوانید:

علیرضا زرین دست در ابتدای بازدید از تالارهای موزه سینما با معرفی خود به عنوان فیلمبردار گفت: ۵۵ سال است که در حوزه فیلمبرداری فعالیت دارم و هنوز این حرفه را عاشقانه دوست دارم و با آن زندگی می‌کنم.

وی ادامه داد: در موزه سینما یادگاری‌هایی از افرادی وجود دارد که ارزش بسیار زیادی دارند زیرا آنها کسانی بودند که پایه‌ها و بنیاد آمدن ما و حیات سینما را حفظ کردند. وی با دیدن گنجینه زنده یاد «عباس کیارستمی» در این موزه خاطرنشان کرد: در دوره‌ای ممنوع الکاری ۶ ماه داشتم یادم می‌آید کیارستمی به من زنگ زد و گفت یک فیلمبردار خلاق می‌خواهم و من سه نفر را به او معرفی کردم اما انتخابشان نکرد و از خود من خواست تا همکاری کنم. به او گفتم مدتی است ممنوع الکار هستم و او در صحبت با آقای بهشتی از مدیران وقت آن زمان مشکل ممنوع الکاری من را حل کرد و درواقع رفاقت بزرگی در حق من کرد که در نهایت برای فیلمبرداری «کلوزآپ» با او همکاری کردم که خوشبختانه اتفاق‌های خوبی برای فیلم افتاد و امروز در بسیاری از کلاس‌های آموزشی این فیلم نمایش داده می‌شود. زرین دست با بیان اینکه لطف زنده یاد عباس کیارستمی را هیچ وقت فراموش نمی‌کند، گفت: در همان ۶ ماهی که بیکار در خانه نشسته بودم حتی یک نفر هم به من زنگ نزد تا بپرسد روزگار من چگونه می‌گذرد و این موضوع بسیار من را آزرده کرده بود و تنها کسی که به سراغم آمد کیارستمی بزرگ و بامعرفت بود. وی در پایان یادآور شد: آشنایی من با کیارستمی به کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان زمانی که تیتراژ فیلم «رشید» را می‌ساخت، برمی‌گردد. برای همکاری با او به دیدنش در پاسگاه پلیس ژاندارمری جاجرود رفتم، زیرا او دو هفته در آنجا کشیک بود و نمی‌توانست بیرون بیاید که در نهایت باهم همکاری کردیم.

اخبار کوتاه

«ادبیات اعتراضی» در «نوپا»

ششمین شماره مجله ادبی «نوپا» با پرونده «ادبیات اعتراضی» منتشر شد. مجتبا نریمان در سخن سردبیر این شماره با تیتر «خاکِ وطن که رفت، چه خاکی به سر کنم؟» از اهمیت زبان و مسئله گفت‌وگو و همبستگی نوشته و در ادامه به موضوع ادبیات اعتراضی در ادبیات کلاسیک و دوره مشروطه اشاره کرده است. اولین بخش مجله، «بازچاپ» است که با مقاله‌ای از شاهرخ مسکوب (نگاهی به شعر متعهد فارسی دهه سی و چهل) آغاز می‌شود و در ورودی این بخش آمده است: «بعد از سخنرانی غلامحسین ساعدی و مقاله نجف دریابندری، این سومین شماره از مجله است که بازچاپِ مقالات قدیمی را می‌خوانید. در این شماره مقاله‌ای ارزشمند -چه از لحاظ ارزش ادبی و چه از لحاظ تاریخی و اجتماعی- از شاهرخ مسکوب آورده شده است. مقاله‌ای که برخلافِ عنوانش که شاید یادآورِ ادبیاتِ توده‌ای باشد، از ایدئولوژی‌زدگی به دور و راوی و منتقدی منصف است در تحلیل.» در بخش دوم مجله داستان‌هایی آمده است از حمید نامجو، حمیدرضا بابابیگی، مسعود زیرکی، محسن راستگو، نسترن سوادکوهی و سولماز مسعودیان همراه با نقدهایی بر داستان‌های منتشر شده از محمدرضا ایوبی، فریبا عابدین‌نژاد، سیما خسروی و بهاره ارشد ریاحی. در بخش بعدی مجله که «فصل اول رمان» نام دارد بخش‌هایی از رمان منتشرنشده‌ای از پرویز مسجدی (می‌خواهم یک رمان سورئالیسی بنویسم) و بختیارعلی (بندر فیلی) با ترجمه مریوان حلبچه‌ای منتشر شده است. بخش ترجمه با داستان آموندسن از آلیس مونرو ترجمه میترا دولت‌آبادی آغاز شده و در ادامه این مطالب آمده است: «قصه روسیه» لویی سی کی ترجمه امیرحسین دانشورکیان به انتخاب اسدالله امرایی، «نقدی بر شعر سرزمین ویران» کلاود مک کی ترجمه آرش خوبانی، شعرهای اعتراضی ترجمه سحر حدیقه و «همه مادرهای خسته روی زمین» جوآن بائز ترجمه م.آزاد و مانی صالحی علامه. در ورودی بخش «شاهِ نامه‌ها» که مقاله «از هنر تا جادو»ی آرمان فاتح آمده است می‌خوانیم: «شماره پیش وعده دادیم که در این بخش هر شماره یادداشتی خواهید خواند از دکتر ابوالفضل خطیبی... افسوس که اجل امان نداد و استاد آنچنان زود از دنیای ما رفت که هنوز سخت است بپذیریم چنان مرد باسواد و خوش‌پوشی به خاک سپرده شد.» و در بخش پایانی یعنی مقاله‌ها و نقدها مقاله‌ای آمده است از مریم رنجبری با نام «نگاهی به تاریخچه ادبیات اعتراضی» و معرفی چند کتاب چاپ جدید. ششمین شماره مجله ادبی «نوپا» با مدیرمسئولی و سردبیری مجتبا نریمان ویژه بهار ۱۴۰۲ در ۲۱۸ صفحه و با قیمت ۱۰۰ هزار تومان منتشر شده است.

روایتی از «انگلیسی‌ها در بوشهر»

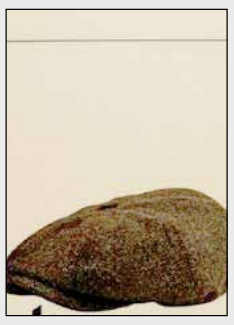

«انگلیسی‌ها در بوشهر» نوشته ایرج صغیری منتشر شد. این مجموعه داستان در ۱۸۸ صفحه با شمارگان ۵۵۰ نسخه و قیمت ۱۰۰ هزار تومان در انتشارات نریمان راهی بازار کتاب شده است. ایرج صغیری درباره این کتاب چنین آورده است: انگلیسی‌ها سال‌های سال در بوشهر کنسولگری مهم و پرکاری داشتند و از طریق آن در این منطقه اعمال سیاست می‌کردند که اتفاقاتی تاریخی را موجب شدند. مردم بوشهر درباره آن‌ها باورهای عجیب و جالبی داشتند که بعضا به افسانه نزدیک می‌شود. در این کتاب دیدگاه‌های فرهنگ عامیانه بوشهری‌ها به انگلیسی‌ها نیز گردآوری شده است. «انگلیسی‌ها در بوشهر» برگرفته از خاطرات بیش از صد پیرمرد و پیرزن بوشهری درباره حضور انگلیسی‌ها در بوشهر است که برگزیده این خاطرات را در این کتاب آماده چاپ کرده‌ام. این مجموعه داستان گویای قضاوت مردم بوشهر درباره انگلیسی‌ها است که در بیش‌تر این داستان‌ها ظلم و جنایت اجنبی‌ها توصیف شده‌اند. مردم بوشهر نگاه کینه‌توزانه‌ای به انگلیسی‌ها داشتند و مردم شیوه زندگی آن‌ها را مرتبط با افسانه و جادو می‌دانستند. در معرفی ناشر از این کتاب هم آمده است: شانزده قصه و روایت این کتاب را می‌توان «مجموعه‌داستان» دانست و درعین‌حال می‌توان پژوهشی تاریخی خواند. این کتاب از چند جهت حائز اهمیت است و می‌توان آن را در دسته کتاب‌های سیاسی، ادبی، تاریخی قرار داد. مرز خیال و حقیقت علاوه‌بر داستان‌ها، همان‌گونه که ایرج صغیری نویسنده کتاب نیز اشاره می‌کند، در روایتِ راویان نیز قابل تشخیص نیست و نمی‌توان میان افسانه و واقعیت در این روایات تمیز قائل شد.

ارکستر ملی ایران در بزرگداشت حکیم نظامی نواخت

ارکستر ملی ایران در روز بزرگداشت مقام حکیم نظامی روی صحنه رفت.

به گزارش روابط عمومی و امور بین‌الملل بنیاد رودکی، ارکستر ملی ایران در مراسم روز بزرگداشت مقام حکیم نظامی در تالار وحدت، اجرای ویژه‌ای داشت. این رویداد با حضور محمد مهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی بود و رهبری ارکستر ملی ایران را بهزاد عبدی به خوانندگی امیر سمیعی بر عهده داشت. قطعات بهترین سرآغاز (لیلی و مجنون)، در نعت پیامبر (شرف نامه)، شُکوه نظامی (بی کلام) و نیایش (خردنامه و مخزن‌الاسرار) در این رویداد توسط ارکستر ملی اجرا شد.

پایان ساخت مستندی درباره «ناصر ملک مطیعی»

پس از شش سال فیلم مستند بلند «ابرمرد سینمای ایران» ساخته جدید نادر طریقت به پایان رسید. تدوین مستند «ابرمرد سینمای ایران» توسط نادر طریقت انجام شد و پس از پنج ماه تدوین و سپس ساخت موسیقی آن توسط مجتبی تیموری، براساس موسیقی فیلم‌های قدیمی بازسازی شده و به پایان رسید. این فیلم مستند درباره زنده یاد ناصر ملک مطیعی است و از گفتگوی کارگردان با این بازیگر فقید و استفاده از سینماگرانی که با او همکاری داشتند، ساخته شده که سینماگرانی چون مسعود کیمیایی، سعید مطلبی، پوری بنایی، همایون، فرانک قهاری، داریوش اسد زاده، جلال پیشوائیان، نصرت الله وحدت و ده‌ها سینماگر دیگر در این اثر حضور دارند. عواملی که در ساخت این اثر همکاری داشته‌اند، عبارتند از: سرمایه گذاران: بهمن حسن خان، نغمه مختاریان بروجنی، دستیار اول کارگردان: امین طریقت، مشاور فیلمنامه و تحقیقات: هستی طریقت، عکاس: دلوین خوب خصلت، دستیاران کارگردان: آرینا و برسین رمضانی، منشی صحنه: هنگامه طریقت، طراح صحنه: ناهید احمدزاده، طراح پوستر، روابط عمومی ومشاور رسانه: مهین نوبخت، مدیرتولید: تیمورحسن خان، دستیار تولید: شاهین بوالحسنی، مدیرتدارکات: سعید نهال، امور صدا: جمشید اکبرزاده رضایی، تصویر: نادرطریقت، حسین چراغی، تدوین: نادرطریقت، موسیقی: مجتبی تیموری، مجری طرح و محصول: موسسه سینمایی هفتمین هنر هستی محقق، نویسنده، تهیه کننده و کارگردان: نادرطریقت.

«خاک مُرده» به پایان رسید

فیلمبرداری فیلم کوتاه «خاک مرده» پس از چند جلسه فیلمبرداری در اطراف بهشت زهرا و ساوه به پایان رسید. بازیگران و عوامل فیلم کوتاه «خاک مرده» عبارتند از: امین میری، محمد صابری، علی مهربان، بیتا شهبازی، فاطمه جنیدی، سروش پورصالح، حامد مقدم. تهیه کننده و کارگردان: یاسر هشترخانی، نویسندگان: سعید سالمی وعلی فرزانه پور، مشاور کارگردان : سعید سالمی، مدیرفیلمبرداری: مانی عطشانی، صدابرداران: مسعود شاهوردی و آرش هوجقانی، جانشین تهیه: فاطمه جنیدی، برنامه ریز: نهال کنعانی زاده گان، دستیار اول کارگردان: محسن دیگاری، دستیاران فیلمبرداری: ارسلان زارع، محمدطالبی، تدوینگر : محمد امین طرقی، مدیر تولید: انسیه رستمی، جانشین تولید: سیدغدیرموسوی، دستیار تولید: امیرمحمد رستمی، طراح گریم: پویا عمرانی، مجری گریم آقایان: پیام زارع بیدوکی، مجری گریم بانوان: مهتاب لشگری، طراح لباس: نسترن باقرزاده، دستیار لباس: ملینامهرپیشه، طراح صحنه: سجاد کاظمی، دستیاران صحنه: بهنازحیدری و حسن خویشوند، منشی صحنه: ماهگل کرامتی، عکاس: آتوسا امینی، فیلمبردار پشت صحنه: بهادر زرگران جواهر، طراح پوستر: سهیلا شریفان، مدیر تدارکات: حسین پاشاپور، دستیاران تدارکات: مهدی کلاتیان، حمید زینعلی، مشاورحقوقی پروژه: فاطمه عباسی، مجری طرح و مدیر روابط عمومی: فاطیما موسوی. در خلاصه‌ی داستان آمده: بچه بودیم همیشه بهمون می‌گفتن یه شاهزاده با اسب بالدار و کالسکه میاد دنبالت... بابام منو تو قمار باخت... خر بالدارم منو برداشت بال زد آورد انداخت تو این خاک مرده... من عادت کردم ولی دلم برا تو می‌سوزه.